

مقایسه تطبیقی درخت حیات با تکیه بر کتاب شجره الکون و زوهر

دکتر مسعود احمدی افزادی، شیما فتورچیان

(استادیار دانشگاه نجف آباد)

(دانشجوی دکتری ادیان و عرفان)

چکیده

در این مقاله سعی می‌شود با روش تحلیلی توصیفی به بیان این مسئله بپردازد که مفهوم درخت حیات نزد ابن عربی با تکیه بر کتاب شجره الکون چه تفاوتها و شباهتهایی با مفهوم درخت حیات در آیین قبلا با تکیه بر کتاب زهر دارد. ابن عربی از بزرگترین عارفان مسلمان است که مفاهیم عمیقی به وسیله شهودات خود بیان می‌کند و از طرفی در مکتب عرفانی قبلا، که از مهم ترین مکاتب عرفانی یهود است، کتاب زهر نوشته موسی دی لئون نقطه عطفی در عرفان یهودی است و این سوال مطرح است که آیا بیان درخت در این دو ریشه مشترک دارند و از یکدیگر متأثر بوده اند یا نه و اینکه چرا برای بیان اسماء الهی و مفاهیم آسمانی و ایجاد طور خلقت از تمثال درخت استفاده شده است. و مراتب هستی به چه شکلی بیان شده است. کلمات کلیدی: درخت حیات، ابن عربی، زوهر، قبلا، سفیروت، آدام کدمون

مقدمه

پیش از آنکه به بحث درباره درخت حیات در کتاب شجره الکون و زهر بپردازیم ابتدا باید ریشه های پیدایش کتاب زهر را بررسی کنیم و از آنجایی که کتاب زهر از مهم ترین منابع عرفانی مکتب کابالاست به توضیحی اجمالی درباره این فرقه عرفانی نگاهی می‌اندازیم و سپس به بیان مبحث مهم سفیروت و درخت زندگی در کابالا می‌پردازیم از طرفی بحث درخت حیات در نگاه ابن عربی هم مطرح شده است که می‌توان گفت ایشان تنها کسی است که درخت زندگی یا شجره الکون را در دایره اسلام مطرح می‌کند و دیگر مباحث مطروحه درباره درخت در اسلام بیشتر مربوط به درخت ممنوعه و ماجرای حضرت آدم و خوردن میوه ممنوعه است که بیشتر بحث به صورت روایی است مگر اینکه تحلیلی معرفتی از آن داشته باشیم که به این بحث ما شباهت یابد.

درخت حیات نزد ابن عربی با تکیه بر کتاب شجره الکون

محمی الدین ابن عربی از بزرگترین عارفان مسلمان است و اول کسی بود که اصول و قواعد عرفانی را به کامل ترین وجه تبیین کرد و درباره عرفان، تحلیلی نظری به دست داد او در قرن ۶ هجری قمری می‌زیست از او کتب ارزشمندی چون فتوحات مکیه و فصوص الحکم به جای مانده است که مرجع بسیاری از اندیشمندان است او همچنین کتابی با نام شجره الکون مرقوم کرده است که در آن توانسته موضوع هستی را همراه با مظهر یگانه آن (محمد ص) بیان کند .

ابن عربی هستی و نظام آفرینش را مانند درختی می‌بیند که اصل شکوفه آن از دانه « کُن » برخاسته و کاف کونیت « هستی » با دانه هستی بارور شده است « نحن خلقناکم فلولا تصدقون » (سوره ۵۶ آیه ۵۶) و از آن میوه ای به دست می‌آید که خداوند می‌فرماید: « انا کل شیء خلقناه بقدر » (سوره ۵۴ آیه ۴۹) و از این دانه، دو شاخه مختلف به وجود آمد که جوهر آن دو یکی است که اراده است و فرع و شاخه آن دو قدرت می‌باشد بنابراین از جوهر کاف دو معنی مختلف ظاهر گشت. کاف کمالی که خداوند می‌فرماید: « الیوم اکملت لکم دینکم » (سوره ۵ آیه ۳) و کاف کفر. اصل نون به صورت نکره و نون معرفه ظاهر گشت. و وقتی آنان را از نهنگاه نیستی به حکم خواست خود آفرید. نور خود را بر آنان پاشید پس هر که نور بر او تابید به تصویر درخت هستی که از دانه کُن پدید آمده است چشم دوخت و نهن کافش در تصویر: کنتم خیر امه (سوره ۳ آیه ۱۰۹) برای وی نمایان گشت و شرح رنگ آن درخت با معنای « اقمین شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه » (سوره ۳ آیه ۲۱) برای او آشکار شد اما کسی که نور بر او نتابید از وی خواسته شد که معنا و مقصود واژه کن را دریابد وی در تلفظ و بیان آن به غلط افتاد و در خواسته اش ناامید گشت. به تصویر کن نگریست و پنداشت که آن از کاف کفر و نون نکره ترکیب شده است پس فکان من الکافرین شد. بنابراین بهره هر آفریده ای از واژه کن آن گونه است که از تلفظ کن دانسته و از راز نهنش مشاهده کرده است.

و وقتی خداوند آدم را در مکتب تعلیم وارد ساخت همه اسماء را به وی آموخت آدم به تصویر کن نگریست و مشیت و خواست آفریننده را از آفریده مشاهده کرد آن گاه معلم را که خداوند است از کاف کن به گونه کاف کنزیت دید « کنت کنزا مخفیا فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف » از نهن نون، نون خود پرستی و انانیت را مشاهده نمود « اننی انا الله لاله الا انا » (سوره مریم آیه ۶۹) و وقتی واژه کن را نیکو ادا کرد و آرزو

تحقق یافت، از کاف کنزیت، کاف تکریم «و لقد کرما بنی آدم» (سوره اسراء آیه ۷۰) حاصل شد و همچنین کاف کونیت «کنت له سمعا و بصرا ویدا» و از نون انانیت و خود پرستی، نون نوریت «و جعلنا له نورا» (سوره انعام، ۱۲۲) به دست آمد و بدان نون نعمت در «و ان تعدو نعمت الله لا تحصوها» (سوره نحل آیه ۳۳) پیوست.^۱

پس نخستین چیزی که این درخت که خود بر آورده ی دانه کن بود، رویاند سه شاخه است. شاخه راست که از آن راستان و بهشتیان است، شاخه چپ که از آن دوزخیان است و شاخه ای با قامت معتدل که به گونه ای راست روییده و از آن کسانی است که در ایمان سبقت گرفتند و مقرب درگاه حق اند. وقتی این شاخه روید و قد برافراشت از بالاترین شاخه رخ نمود و از شاخه فرو دین، عالم صورت و معنی ظاهر گشت. از این رو پوشش های ظاهری را عالم ملک، قلوب باطن و نهان مبرا شد، مبانی پوشیده و راز نهانی را عالم ملکوت نامید، و آبی که در شریانها جریان دارد که بدان رویش و حیات و رشد صورت می گیرد و شاخه ها سر می زنند و میوه ها می رسند، عالم جبروت نام دارد که آن راز و سر معنای کلمه کن است سپس دیواری اطراف درخت را فرا گرفت و حدودی برای آن تعیین گردید و طرحها و نقشه هایی برای آن ترسیم شد. حدودش جهاتند که عبارتند از بالا، پایین، پشت و پیش. آن چه بالاتر است در حد بالاتر و آنچه پایین تر است در حد پایین قرار دارد.^۲

ابن عربی در شجره الکون به تفصیل از حقیقت محمدیه یاد می کند و او را راز هستی و معنای کلمه کن می داند که خدا با بیانش او را سرانجام و هدف هستی قرار داده است که همه چیز به خاطر او خواسته شد و او برگزیده هستی است.

خداوند نخستین کسی است که در اطراف این درخت تا جوهر و ریشه، دانه کن تلاش کرد و عنصر پاکش را فشرده و خلاصه آن را بیرون کشید تا زبده و برگزیده آن ظاهر گشت و آن را با صافی پاکی بیالود و ناپاکیش از بین رفت. آن گاه نور هدایتش را بر او فکند تا جوهر و ذاتش آشکار گشت و در دریای رحمتش فرو برد تا برکتش همه را فراگیرد سپس از آن، نور پیامبر، محمد (ص) را آفرید.

مراد از دانه کن به عقیده ابن عربی حقیقت هستی و وجود مطلق و محض است که از هر گونه کثرت و ترکیب متعالی و از هر نوع صفت و اسم و رسم و حکم و نسبت عاری است. نه کلی است، نه جزئی، نه خاص است نه عام، بلکه مطلق است از همه قیود حتی از قید اطلاق. به عبارت دیگر ذات منزله است و متمیز و متعالی از ممکنات و مخلوقات. خود قائم به ذات است و ماسوای او شئون و اعتبارات و نسب و تجلیات اویند. چون شاخه های درخت اگرچه از دانه بر آمدند، چون هستی شان از دانه است، ذاتا با آن مباین می باشند. چه دانه اصل هستی و وجود واجب، علت شاخه ها است و شاخه ها معلولند که در هستیشان قائم به غیر می باشند و هستی قائم به غیر مباین با هستی قائم به ذات است.

بنابراین میتوان درخت هستی ابن عربی را اینگونه ترسیم کرد:

- ۱- دانه کن که ریشه و منشا و اصل وجود است حضرت باری تعالی و الله است.
- ۲- اراده ی معطوف به کن که وقتی اراده می کند میشود (کن فیکون)
- ۳- به وسیله ی قدرت حضرت الله این اراده به منسه ی ظهور می رسد که میتوان گفت تنه ی درخت قدرت است.
- ۴- سه شاخه که از آن بهشتیان، دوزخیان و معتدلین است.
- ۵- جبروت حضرت الله که در همه شاخه ها ساری و جاری است.
- ۶- میوه ی شاخه ی راستان و بهشتیان و شاخه ی معتدل که انسان کامل است.

درخت حیات در قباله با تاکید بر زهر

کابالا یا قبّاله، کابالا یا کبلا (به عبری: קַבָּלָה) به معنی لغوی دریافت کردن و یا سنت، روشی، مکتبی و طرز فکری عرفانی است که از یهودیت ریشه گرفته است. در یهودیت به یک فرد کابالیست، مکوبال (عبری: מקובל) اطلاق می شود.^۳

تعریف کابالا بر اساس پیروان مختلفش متفاوت است. با اینکه این مکتب از یهودیت نشأت گرفته است ولیکن پیروان مسیحی، نوعصری، و پیروان علوم خفیه آنرا روشی عرفانی برای فهم رابطه بین ان سوف که غیرقابل تغییر، همیشگی و پیچیده است و جهان مادی فانی و محدود (مخلوق) است میدانند. کابالا به دنبال فهم ذات دنیا و انسان است.

کابالا از متون یهودی سرچشمه گرفت و پیروانش معمولاً از متون یهودی برای توصیف و تفسیر مسائل عرفانی استفاده می کنند. دستوره های کابالا برای فهم معنی مخفی متون یهودی نظیر تورات و نوشتارهای ربیها نظیر تلمود به کار می رود و معنی مخفی عبادت یهودی را بیان می کند. به طور کلی کابالا می تواند به سه زیر شاخه تقسیم شود.

^۱ سعیدی، درخت هستی (شجره الکون)، برگرفته از صفحات ۴۵ تا ۶۱

^۲ سعیدی، درخت هستی (شجره الکون)، ص ۸۸

^۳ "Kabbalah: A very short introduction, Joseph Dan, Oxford University Press, Chapter 1 "The term and its uses"

کابالای تئوری که به دنبال فهم دنیای خداوند است. این نوع روش بیشتر بر پایه حدس و گمان است و در تضاد با فلسفه یهودی و استفاده از منطق می‌باشد.

کابالا عرفانی که در آن هدف یکی شدن عرفانی با خداوند است. ابراهیم ابوالعفیاء یکی از چهره‌های مهم این نوع کابالا است.

کابالا سحر و عملی (که معمولاً منتشر نمی‌شود) که به دنبال تغییر در دنیای خداوند و این دنیا است. با اینکه بعضی دعا را وسیله تغییر در دنیای خداوند میدانند، در کابالای عملی از سحر سفید برای تغییر استفاده می‌شود و این روش تنها به افرادی دارای نیت پاک یاد داده می‌شود. این روش توسط بسیاری از کابالیست‌ها طرد شده است.^۴

پیروان کابالا اعتقاد دارند که دانش کابالا اولین بار توسط سه شه پدر (ابراهیم، اسحاق و یعقوب) و بقیه پیامبران به دست آمد. بر اساس این تاریخچه در قرن ۱۰ قبل از میلاد این دانش توسط ۱ میلیون نفر در اسرائیل مورد استفاده قرار می‌گرفت. هجوم بیگانگان باعث شد که این دانش مخفی شود تا از گزند بدطینتان در امان بماند.

خاخام‌های یهودی تلاش می‌کنند، نو ظهور بودن این آیین را توجیه کنند به عبارت دیگر آنها معتقدند، این آیین قرن‌ها در دل علما و روحانیون یهودی محفوظ بوده و این شرایط خاص زمانی بوده که اجازه نداده است، تاکنون این آیین معرفی شود و حتی کار را به جایی رسانده‌اند که مدعی هستند، پیامبران بزرگی همچون حضرت عیسی مسیح نیز از پیروان و مبلغان این آیین بوده و تنها دلیل شرایط زمانی، حاضر به افشای کامل اسرار آن نشده‌اند.

طبق استناد بر کتب مقدس یهود، سفیروت یا انرژی‌های الهی نخستین بار توسط پدران (ابراهیم، اسحاق و یعقوب) شکل گرفت. ابتدا به صورت تورات شفاهی، سپس به صورت یک رساله به نسل‌های ایشان به ویژه به پیامبران چون موسی و دیگر انبیاء تسلیم گردید. هنگامی که حضرت موسی دو لوح ده فرمان را دریافت و تورات مقدس را به قوم بنی اسرائیل تسلیم نمود، از همان آغاز متون آن در قالب آیات الهی بصورت یک رمز اسرارآمیز بوده که حتی کلمات آن از معنای لفظی آمده در تورات مقدس، بصورت تفسیر و تعبیر فراتر بشمار می‌رفته است و با وجود آنکه مفهوم ده فرمان در یک نگاه بسیار ساده به نظر می‌رسید، اما در واقع «ده فرمان» ترکیبی مجهول و اسرارآمیز برای ده بُعد آفرینش با نام سفیروت بوده که در برگزیده انرژی‌های ملکوتی (روحانی و خاکی)، یا به عبارتی همان صفات الهی می‌باشد. موسی دی لئون سعی بر ارائه رموز ده سفیروت در قالب کتابی تحت عنوان «زهر» نمود.

سفیروت یا سفیروت (عبری: סְפִירוֹת) شکل جمع سفیره (סְפִירָה) به معنی شمارش در کابالا و عرفان یهودیت است. عارفان یهودی، ده سفیروت را شناخته‌اند. قبالی‌ها برای توالی ده سفیروت اصطلاحات و واژه‌های ثابتی دارند، این اصطلاحات در زهر آمده‌است.

خداوند مکنون را هم در زهر و هم در قبالا، ان سوف En-sof یعنی نامحدود می‌نامند. از آن جا که این وجود مکنون الهی در کل جهان فعال است اوصاف و اسماء معینی هم وجود دارد که به جنبه‌های معینی از این ماهیت الهی معطوف می‌گردد کتاب زهر به تفصیل میان دو عالم تمایز می‌نهد که هر دو مظهر خداوند می‌باشند نخست جهان زیرین و ابتدایی است که ژرف‌ترین باطن است که برای همگان مگر خداوند درک ناشدنی باقی می‌ماند که عالم ان سوف است. دومی به اولی متصل است ولی معرفت به خداوند را ممکن می‌سازد در زهر ده صفت بنیادین یا ده شان به خداوند نسبت می‌دهد که با طی آن حیات روحانی و الهی در پس و پیش مرتعش می‌گردد.^۵

سفیروت‌ها هر کدام مظهر یک صفت ملکوتی است و طرح اسطوره‌ای سفیروت با نام درخت زندگی ارائه شده است البته به صورت انسان‌واره هم بیان شده است و چهار جهان در درون آن نهفته است که نمادی از یکتایی خداوند است.

چهار دنیا (عبری: עולמות اولموت یا اولموس مفرد: עולם اولم) که گاهی به همراه مرحله قبل از آن پنج دنیا نامیده می‌شود نام زنجیره دنیاهای روحانی است که در کابالا به عنوان سرمنشاء حیات مطرح می‌شود. این ایده مطرح می‌کند که نیروی خالق ان سوف در مراحل مختلف از طریق زیمزم ظهور می‌کند. از اینرو خدا مخفیترین مخفیها نامیده می‌شود و هر دنیا جلوه‌ای از نیروی مخفی خداوند است. از این رو نور ان سوف از این دنیاهای به سمت پایین و دنیای مادی نازل می‌شود. ریشه تمامی این دنیاهای در آدم کادمون است که گاهی به عنوان دنیای پنجم در نظر گرفته می‌شود. نام چهار دنیا که از آیه اشعیا ۴۳:۷ گرفته شده است: هرآنکس که با نام من خوانده شود برای ابهت من (آتزیلوت)، من خلق کردم (بریا)، من شکل دادم (بیتزیرا) و من حتی ساختم (آسیاه). در زیر آسیاه که پایینترین مرحله دنیاهای روحانی است دنیای آسیاگشمی قرار دارد که دنیای مادی است که شامل دو سفیروت پایینی درخت زندگی (ملکوت و یسد) است. این چهار دنیا در مجموع آبیای نامیده می‌شوند.

^۴ Kabbalah: A very short introduction, Joseph Dan, Oxford University Press, Chapters on "the emergence of Medieval Kabbalah" and "doctrines of Medieval Kabbalah"

^۵ شولم، جریانات بزرگ در عرفان یهود، ۲۷۴

این چهار دنیا بر اساس نور بی پایان خالق و نیاز مخلوق به دریافت کردن ایجاد می‌شوند. هر ۱۰ سفیروت و ۱۲ پارتزوفیم (کاسه) در هر دنیا وجود دارند. در کابالای لوریان پارتزوفیمها به صورت دینامیک با یکدیگر تعامل می‌کنند. ولیکن در هر دنیا یک سفیروت و پارتزوفیم مهمتر از بقیه است. این پنج دنیا به ترتیب عبارتند از:

۱- **آدام کادمون** (عبری: אדם קדמון): به معنی آدم اولیه. در اینجا آدم به معنی حالت ایستاده تمامی سفیروتها به صورت یک مرد است. آدام کادمون در دنیای کتر علیون قرار دارد. آدام کادمون یا آدم قادمون یک اصطلاح مذهبی در کابالاست که به معنی آدم اصلی می‌باشد. بر اساس دیدگاه کابالا آدام کادمون یا آدم بالا آدمی است که در اولین مرحله از پنج مرحله اولی پیدایش تولید شد و از آدم اولیه (آدم پایین) یا آدمی که بعد از هبوط و گناه میوه ممنوعه تولید شد متفاوت است. حوزه آدام کادمون حوزه سفیروت کتر می‌باشد. از آدام کادمون چهار دنیای دیگر اتریلوت، بریا، یتزیرا و آسیا ایجاد می‌شوند. آدام کادمون معمولاً از این چهار دنیا متفاوت فرض می‌شود و این چهار دنیا با چهار حرف نام خدا **یهوه** مرتبط هستند.^۶

ساختار آدام کادمون در واقع نشان دهنده هدف اصلی خلقت و سفیروت صفات الهی است. آدام هاریشون در اثر حبوط و سقوط در اثر گناه اصلی دارای این صفات نیست. آدام کادمون در دنیایی است که دارای محدودیت‌های سفیروتها نیست. در زوهر نوشته شده است: "فرم انسان دارای تصویر هر آنچه بالا (در بهشت) و در پایین (در زمین) است می‌باشد. از این رو مقدس قدیمی (خدا) آن را برای فرم خود انتخاب کرد" در زوهر مرد بهشتی دارای صفات الهی و تمامی ده سفیروت است.

۲- **آتریلوت** (عبری: אטרילוט): به معنی دنیای ساطع شدن، و یا نزدیک بودن. در این دنیا نور ان سوف می‌تابد و هنوز با منبع آن در تماس است. در آتریلوت تمامی ۱۰ سفیروت وجود دارند ولیکن سفیروت حوخما (حکمت) بر دیگران غلبه دارد. در این دنیا آخرین سفیروت ملکوت معادل سخن الهی خداوند است که در پیدایش باعث ایجاد دنیا می‌شود.

۳- **بریا** (عبری: בריא): به معنی دنیای خلق کردن. در این دنیا اولین مقدمه خلق شدن البته بدون شکل و فرم وجود دارد. بریا دنیای عرش الهی است. در این دنیا سفیروت بینا (فهم) غلبه دارد. بالاترین مرتبه فرشتگان در بریا هستند.

۴- **یتزیرا** (عبری: יצירה): دنیای فرم. در این دنیا مخلوق به تدریج دارای شکل و فرم می‌شود. سفیروت حسد تا یسود در این دنیا غلبه دارد. در این دنیا احساسات بسیار مهم است و فرشتگان و ارواح از طریق احساسات الهی خدا را پرستش می‌کنند. یتزیرا قسمت پایین باغ بهشت نامیده می‌شود.

۵- **آسیا** (عبری: אסיה): به معنی دنیای عمل. در این مرحله خلق شدن تکمیل شده است و دارای شکل و فرم است. ولیکن این مخلوق هنوز در دنیای روحانی است. در این دنیا سفیروت ملکوت بر دیگران غلبه دارد. در زیر آن آسیاگشمی که دنیای مادی است قرار دارد. آخرین دو سفیروت آسیا نیروی زندگی را به آسیاگشمی می‌دهند.^۷

و اگر بخواهیم با تشبیه درخت این چهار دنیا را مطرح کنیم میبینیم که هر جهان دارای شاخه‌های فرعی خود می‌باشد که در حال گسترش است و نیز با لایه‌های بالاتر از خود در ارتباط می‌باشد و به عنوان یک پل ارتباطی ما بین عالم علیا و سفلی می‌تواند با نیروی محرکه (دائم فعال) به صورت یک نفوذ متقابل چند جانبه از جهان تجلی، آفرینش، شکل‌گیری و جهان کردار، تحرک ایجاد کند و تعادل را در عالم برقرار می‌سازد بشر که در نهاد خویش دارای چهار دنیای الوهیت، روح، روان و تن می‌باشد، قادر است در بازگشت ظاهری و باطنی (مجازی و حقیقی) به منشا خود همه این سطوح را مشاهده و درک می‌کند.

طرح اسطوره‌ای درخت زندگانی مشتمل بر چهار جهان یا چهار لایه می‌باشد:

۱- جهان تجلی **Azilut** اولین لایه (ریشه درخت)

۲- جهان آفرینش **Beriah** دومین لایه (تنه)

۳- جهان شکل‌گیری **Yezirah** سومین لایه (ساقه درخت)

۴- جهان کردار **Asiyyah** چهارمین لایه (میوه)

قبالایی‌ها ده سفیروت را اینطور بیان می‌کنند:

۱- کتر علیون **Keter Elyon** یعنی تاج اعلائی خداوند، کتر مشتمل بر سه سفیروت **Hokhmah** (خرد)، **Binah** (فهم)

و **Daat** (دانش) است که هر سه منسوب به جهان تجلی و پیوسته با جهان آفرینش است.

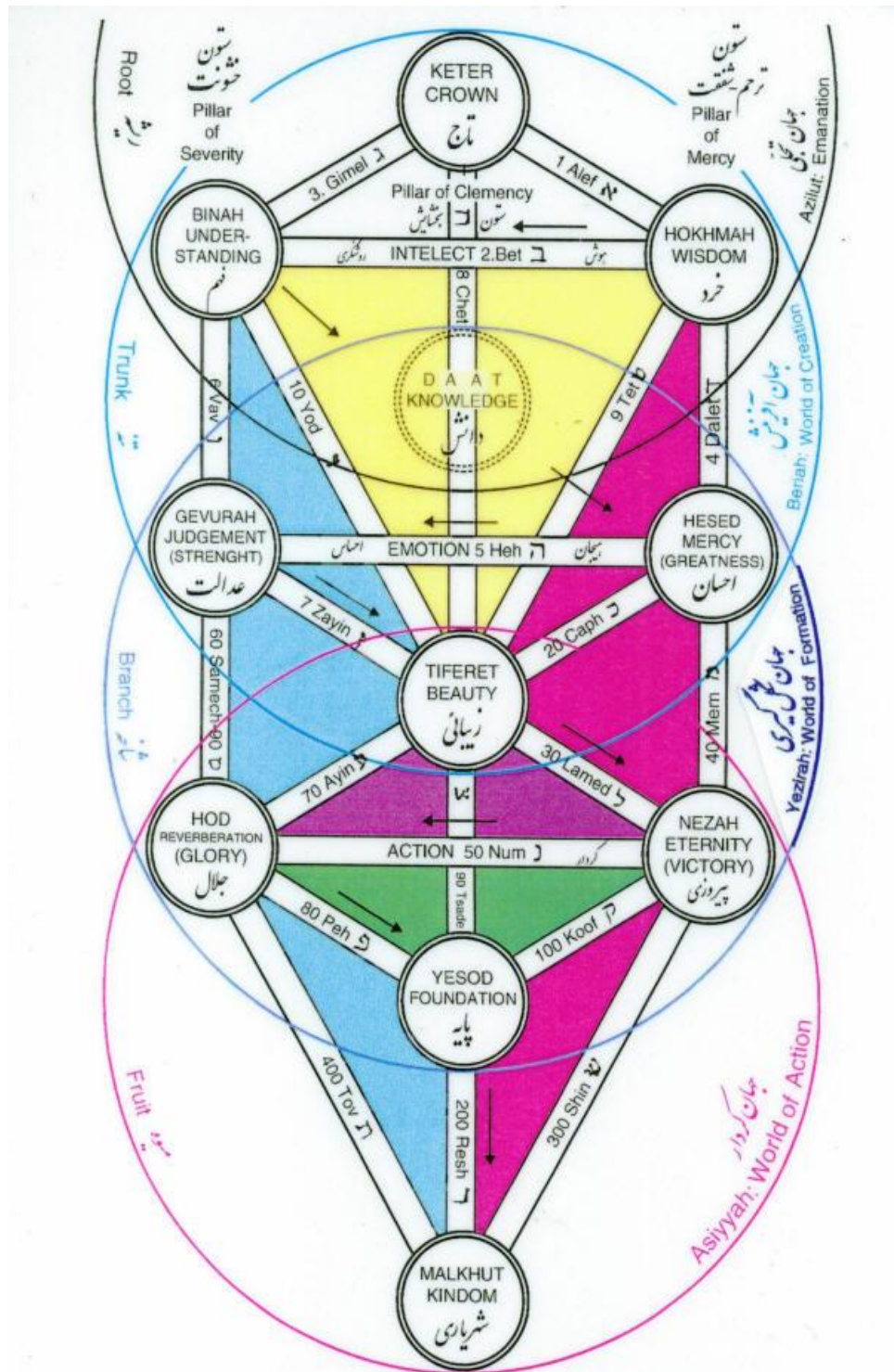


- ۲- **hokhmah** حوخما یعنی حکمت یا ایده ازلی
- ۳- **Binah** بینا یعنی عقل خداوند
- ۴- **Hesed** حسد یعنی عشق یا رحمت خداوند ، که این جایگاه آبراهام نام گرفته و مظهر دوستی و مهمان نوازی است و انرژی آن ایجاد عشق و احسان است و سیاره تاثیر گذار آن خورشید است و منسوب به جهان آفرینش و در ارتباط با جهان شکل گیری است .
- ۵- **Gevurah** یا دین **Din** یعنی قدرت خداوند ، که اساسا به عنوان اقتدار داوری تنبیه سخت روز داوری جلوه می کند و جایگاه اسحاق نام گرفته و مظهر ملک نفس است و انرژی آن قدرت و توانایی و سیاره حاکم بر آن ماه است و منسوب به جهان آفرینش و پیوسته با جهان شکل گیری است .
- ۶- **Rahamim** رحمیم یعنی شفقت خداوند که از مراقبه میان دو سفیرا نازل می گردد ، اسم تیغثرت **Tifereth** یا جمال به تنهایی به کار می رود و جایگاه یعقوب نام گرفته و مظهر شکوه ، جلال و زیبایی است و انرژی آن زیبای روحانی است و سیاره حاکم بر آن مارس است و منسوب به هر سه جهان آفرینش ، شکل گیری و کردار است .
- ۷- **Netsah** نصح یعنی آخرین صبر خداوند ، که جایگاه موسی و مظهر ابدیت نام گرفت و انرژی آن امید و پیروزی است و سیاره حاکم بر آن عطارد است و منسوب به جهان شکل گیری و آمیخته با جهان کردار است .
- ۸- **Hod** هود یعنی عظمت خداوند ، که اهروان نام گرفته و مظهر عظمت و شکوفایی است انرژی آن صداقت و سرسپردگی است و سیاره حاکم بر آن ژوپیتر است و منسوب به جهان شکل گیری و کردار است .
- ۹- **Yesod** یسود یعنی جمیع قوای خلاقه خداوند ، که جایگاه یوسف قرار گرفته است و مظهر دوستی و صداقت است و انرژی آن حقیقت است و منسوب به جهان شکل گیری و کردار است .
- ۱۰- **Malkhuth** یعنی ملکوت خداوند که معمولا در زوهر به عنوان کِنِست اسراییل (**Keneseth Israel**) توصیف می شود که نمونه سری اجتماع اسراییل و شخینا می باشد و جایگاه داوود نام گرفته که مظهر پادشاهی است و انرژی آن ایمان و تعادل است و منسوب به جهان کردار است .^۸

^۸ شولم ، جریانات بزرگ در عرفان یهود ، ۲۷۹-۲۸۰

دومین کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی

دی ماه ۱۳۹۹ - تهران



جمع بندی و نتیجه گیری در مورد مشابهات و افتراقات

اگر بخواهیم درباره اشتراکات و افتراقات این مبحث در شجره الکون و زهر سخن بگوییم اول باید بدانیم که آیا در نگاه تاریخی ابن عربی می تواند با کتب یهودی و علمای یهود در طول زندگی خود ملاقات داشته باشد؟ در نگاه برخی از علمای یهودی مبحث سفیروت و درخت حیات در کتب کهن یهودی قبل از زهر قرار داشته است. و آیا ابن عربی با بزرگان یهودی حشر و نشر داشته یا نه که این بحث را ملهم از نگاه آنها مطرح کرده باشد؟ از آنجا که ابن عربی در اسپانیا متولد شده است و در طول عمر با برکت خود بسیار سفر کرده بعید نیست که با کتب متعدد یهودی و علمای آنها مواجهه



داشته باشد و نگاه او به نوع خلقت و مراتب هستی متأثر از آنها باشد البته این قضیه با توجه با این است که بگوییم اسرار زهر و بحث سفیروت و درخت زندگانی قبل از زهر در کتب یهودی وجود داشته است اما اگر اینگونه نگاه نکنیم میتوان نتیجه ای بالعکس گرفت که عرفای یهودی با برخورد با ابن عربی ایده های درخت زندگی و ساحت سفیروت را مطرح کردند همچنین استفاده از مفهوم درخت در هر دو نگاه شاید به این دلیل است که درخت بدون وجود دانه نمیتواند وجود خارجی داشته باشد و رابطه آن به صورت عرضی است بعد از دانه یکی یکی تنه و بقیه قسمتهای آن شکل میگیرد در مورد هستی هم همینطور است عالم بدون وجود لایتهای حق تعالی موجودیت نمی یابد و بعد هستی به مراتب از حضرتش متجلی میشود.

حال به بیان متشابهات این دو نگاه می پردازیم اول میتوان به تشبیه درخت واره ی این دو نگاه اشاره کرد که هر کدام مراتب خلقت را بصورت درخت مطرح کردند و از دیگر تشابهات آن میشود بحث آدم کدمون را مطرح کرد که در نگاه زهر عصاره خلقت است و در نگاه شجره الکون هم انسان کامل و به طور خاص پیامبر اکرم (ص) برگزیده و اصل میوه خلقت است .

حال اگر به افتراقات بپردازیم اول میتوان گفت که در نگاه ابن عربی عصاره خلقت خاصه پیامبر اعظم (ص) هست و بقیه انسانها به اندازه ای که به ایشان نزدیک شوند به هدف هستی رسیده اند. اما در نگاه زهر آدم کدمون خاص حضرت موسی نیست و نوع بشر را شامل میشود . از طرفی ابن عربی معتقد است خلقت به وسیله ی دو دست جمالیه و جلالیه (صفات جمالی و جلالی) ایجاد شده است اما رحمت و صفات جمالی خداوند در عالم و در ایجاد هستی بر قهریت خداوند سبقت داشته است اما در درخت واره ی زهر صفات جمالی و جلالی با یک نسبت در عالم موثر است و همینطور جبروت الهی در نگاه ابن عربی در همه ی مراتب هستی ساری و جاری است اما در زهر جبروت الهی فقط بخشی از تدبیر عالم را برعهده دارد. اما به طور کلی میتوان نتیجه گرفت که عصاره ی خلقت هم در نگاه زهر و هم در شجره الکون انسان کامل یا آدم کدمون است که تجلی تام حقیقت مطلق است و همه ی خلقت به وسیله عقل و عشق توامان آفریده شده است که حکمت الهی باعث ایجاد آ شده و ناشی از عظمت خداوند است.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- تورات فارسی
- ۳- شولم ، گرشوم ، جریانات بزرگ در عرفان یهود ، ترجمه فرید الدین رادمهر ، انتشارات نیلوفر ، تهران ، چاپ اول ۱۳۸۵
- ۴- ابن عربی ، محی الدین ، درخت هستی (شجره الکون) ، ترجمه و توضیح دکتر گل بابا سعیدی ، نشر زوار ، تهران ، چاپ سوم ، ۱۳۹۲
- 5- Fortun , Dion. The Mystical Qabalah, York beach ,Me : Samuel weiser, Inc.(2000)
- 6- Richard , James Horatio Gottheil. The Jewish Encyclopedia ,1901-1906,New York , Funk and wagnalls company
- 7- Kabbalah: A very short introduction, Joseph Dan, Oxford University Press, Chapters on "the emergence of Medieval Kabbalah" and "doctrines of Medieval Kabbalah"
- 8- Kabbalah: A very short introduction, Joseph Dan, Oxford University Press, Chapter 1 "The term and its uses"